



کتاب و کتابخانه در عهد مغولان در ایران؛ کتابخانه سیدنا یا الموت وامدار تمدن ایرانی

مرتضی محمدنیا

دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی. رایانامه: mortaza_570n@yahoo.com

چکیده

هدف: هدف از این مطالعه بررسی نقش نهضت اسماعیلیه ایران در حفظ و نگهداری کتاب‌ها و کتابخانه‌ها در زمان حمله ویرانگر مغول با تأسیس کتابخانه سیدنا در الموت است. تدبیر در گذشته و تاریخ و تمدن این سرزمین نشان می‌دهد که همواره در روزها و شرایط سخت و تنگناها، مردانی ظهور کردند که با اقدامات مبتنی بر تعقل و نیت خیرخواهانه، منجی فرهنگ و تمدن این کهن سرزمین و نجات و انتقال آن به آینده شده‌اند. مرور و بررسی این وقایع موجب بروز بارقه امید به آینده و تحریک و تلاش و ایجاد نشاط در حال حاضر می‌گردد. بنابراین، داشتن پشتوانه و تجربه قوی و کافی لازمه حرکت به سوی جلو و ایجاد تحول و نوآوری است.

روش: در این تحقیق از شیوه توصیفی با رویکرد استقرایی استفاده شده است. این مقاله بر اساس پژوهش منابع و متون تاریخی معاصر با این نهضت و مورخان و گزارشگران آن دوره تدوین شده است. منابع مورد استفاده در این پژوهش با استفاده از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

یافته‌ها: در بیشتر منابع مربوط به نهضت صباحیان عمده توجه محققان به بعد سیاسی این نهضت است؛ این در حالی است که این سلسله علاوه بر بعد سیاسی، بعد فرهنگی و علمی تأثیرگذاری داشت زیرا که رهبران این نهضت به علم و دانش، علاقه فراوان داشته و خود نیز از عالمان بودند و علاوه بر حمایت از عالمان و دانشمندان، ارتباطات نزدیکی با آنان داشتند. در سایه همین حمایت‌ها زبان و منابع مکتوب ایرانیان از ورطه نابودی حفظ شد. اوج تلاش اسماعیلیان در حفظ فرهنگ و تمدن ایرانی ترویج زبان فارسی در نگارش کتب و رسالات و تأسیس کتابخانه سیدنا در الموت بود که این کتابخانه با تلاش‌های رهبران و داعیان اسماعیلی که در سراسر ایران و عراق، مصر و شام و تا مرز چین حضور داشتند و جملگی اهل مطالعه و تحقیق بودند، شکل گرفت. ویژگی بارز این کتابخانه نسبت به کتابخانه‌های قبل و بعدش اینست که همزمان با هجوم مغولان مجموعه غنی کتابخانه الموت تنها کتابخانه محفوظ که میراث کتابخانه‌های مدارس نظامیه و دارالکتب ری و بیت‌الحکمه بغداد و ... که از گزند نابودی نجات یافت و به دوره بعد از مغولان منتقل شد و بن مایه دو کتابخانه بزرگ دوره بعد یعنی کتابخانه ربع رشیدی و کتابخانه مراغه را شکل داد. همچنین، این کتابخانه محل آموزش مبلغان و رهبران، داعیان اسماعیلی بوده و طلایه‌دار کاربری آموزشی کتابخانه در ایران بوده و با توجه به نوع گردآوری شده، اولین و کهن‌ترین کتابخانه مذهبی ایران است.

کلیدواژه‌ها: کتابخانه سیدنا، کتابخانه الموت، اولین کتابخانه مذهبی ایران، الموت.

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نشریه الکترونیکی شمس، دوره ۱۴، شماره ۵۴-۵۵، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص. ۶۰-۷۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۳

مقدمه

با نگاهی به سیر تاریخی مقوله کتاب و کتابخانه در بیشتر کشورهای صاحب تمدن، این نکته دریافت می‌گردد که کمتر کشوری را می‌توان یافت که سیر تحول پیشینه فرهنگی مکتوب آن مانند کشور ما دچار افت خیزهای دهشتناک شده باشد و اگر هم چنین چیزی باشد به وسعت و شدتی که برای ما رخ داده نبوده است. ولی خوشبختانه همواره در این سرزمین مردانی بزرگ و صاحب اندیشه و خرد توانستند پیشینه و فرهنگ و تمدن ما را تا امروز از ورطه نابودی نجات دهند. یکی از این دوره‌ها بین سال‌های ۱۲۱۹ تا ۱۲۵۶ م، مطابق با ۶۱۶ تا ۶۵۴ ه.ق، همزمان با حمله مغولان به ایران است، در این زمان که ایرانیان به تازگی از حمله اعراب و خرابی و نابودی و غارت‌های آن کمر راست کرده بودند و خردمندان این سرزمین توانستند با نهضت ترجمه، قسمت عمده‌ای از آثار فرهنگ و تمدن ما را حفظ کنند، یکی از وحشتناک‌ترین حملات به ایران رخ داد. یکی از خردمندان ایرانی که در این دوره توانست با شیوه بدیع خود در مبارزه و مقابله با مهاجمان، بخش بزرگی از میراث مکتوب را از نابودی نجات دهد، حسن صباح بود که با رهبری قیام و نهضت اسماعیلیه در ایران توانست در دل متجاوزان هراس افکند و با بهره‌گیری از تجربه مبارزان پیشین مانند؛ نهضت شعوبیه، بابک و مازیار و ... توانست جلوی تعدی متجاوزان را سد کند. صباح علاوه بر قیام و مبارزه با حکام و عمال متجاوز در راه حفظ آثار و موارث کهن ایرانی و به خصوص زبان و فرهنگ ایرانی و فارسی سعی و اهتمام تمام داشت و هدف نهضت خود را احیاء فرهنگ ایران اعلام کرد؛ با توجه به بررسی منابع و مأخذ و تحقیقات انجام شده تاکنون بیشتر توجه مورخان و محققان به بعد سیاسی نهضت اسماعیلیان بوده و کمتر به بعد فرهنگی و معنوی آن پرداخته شده است. در این مقاله با بررسی منابع تاریخی تدوین شده همزمان و هم‌عصر این واقعه سعی در معرفی خدمت فرهنگی بی‌نظیر نهضت اسماعیلیان و تأسیس کتابخانه سیدنا در الموت و معرفی آن به عنوان یک کتابخانه بزرگ و تأثیرگذار بر کتابخانه‌های ادوار بعد پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته منابع اندکی به کتابخانه الموت و خدمات علمی اسماعیلیان پرداخته‌اند که بیشتر منابع به صورت جزئی و دارای اطلاعات پراکنده در این زمینه هستند، به جز پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدنیا (۱۳۸۹) که در دانشگاه پیام‌نور مشهد دفاع شده است و در آن به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری کتابخانه در ایران پرداخته شده و به کتابخانه الموت به عنوان یکی از کتابخانه‌هایی که بر اساس دین و مذهب و در راستای ترویج و گسترش دین و مذهب بنا نهاده شده است پرداخته شده و به بررسی سیر تشکیل آن به اجمال اشاره می‌شود. این پایان‌نامه از لحاظ هدف متمرکز بر عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کتابخانه در ایران است و همچنین در کتاب «سرگذشت کتاب و کتابخانه در ایران» (محمدنیا، محمدی و اشرفی ریزی، ۱۳۹۰، ص. ۹۴) نیز به کتابخانه سیدنا و یا الموت با نگاه مفصل‌تر پرداخته می‌شود و به سیر تاریخی شکل‌گیری کتابخانه و بنیان و مؤسسان کتابخانه و فعالیت‌های علمی و فرهنگی آن اشاراتی دارد.

در تحقیقی که توسط بادکوبه‌ای هزاوه و عبدالملکی (۱۳۹۶) با عنوان علم و علم‌آموزی در آموزه‌های اسماعیلی در دوره خلافت فاطمیان انجام شده، به بررسی مفاهیم بنیادی آموزه‌های اسماعیلی در دوره اقتدار سیاسی فاطمیان پرداخته شد و بیان شد که مفهوم علم و مبانی علم‌آموزی از جمله مفاهیم بنیادین فاطمیان است. اسماعیلیان ضمن بزرگداشت مقام علم و جایگاه عالمان، فراگیری علوم مختلف را از ضروریات مذهبی می‌دانستند و با توجه به حمله مغولان و بسیاری از عالمان از ترس جان به اسماعیلیان پناه آوردند و این امر موجب رونق بیشتر علم‌ورزی آنان شد.

در پژوهش دیگری که توسط غلامی و منصوری (۱۳۸۷) صورت گرفت به بررسی تحولات فرهنگی اسماعیلیان نزاری از دعوت تا سلطنت (۱۲۵۶ - ۱۱۹۰ م. / ۶۵۴ - ۴۸۳ ه.ق) پرداخته شد. اسماعیلیان در قرن هفتم هجری، با حمله مغول به جهان اسلام مواجه شدند و این حمله موجب رشد عرفان و سقوط بغداد شد. تهاجم مغول موجب مهاجرت علما و دانشمندان به قلمرو اسماعیلیه و رشد اندیشه‌های کلامی - عقلی شد که نمونه بارز آن حضور خواجه نصیرالدین طوسی در میان اسماعیلیان است. پژوهش‌های انجام گرفته تاکنون بیشتر مؤکد بر بررسی‌ها و شرح وقایع تا زمان سقوط این سلسله هستند و به تأثیر و نقش‌آفرینی فرهنگی و علمی بعد از آن اشاره‌ای ندارند؛ بنابراین، توجه ویژه به بعد خدمات علمی و فرهنگی نهضت اسماعیلیه تاکنون ارائه نشده است. این مقاله سعی دارد تا به این پرسش که خدمات علمی و فرهنگی نهضت اسماعیلیه ایران به فرهنگ و تمدن و کتاب و کتابخانه‌های ایران چه بوده است بپردازد.

این مقاله بر اساس پژوهش منابع و متون تاریخی تدوین شده معاصر با این نهضت و مورخان و گزارشگران آن دوره تدوین شده است. منابع مورد استفاده در این پژوهش با استفاده از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

وضعیت کتاب و کتابخانه در اواخر دوره سلجوقی و مغول

زندگی حسن صباح

حسن صباح، یا حسن بن علی بن محمد بن جعفر بن حسین بن محمد صباح حِمیری، معروف به سیدنا و دهخدا در سال ۴۴۳ ه.ق. در شهر قم و در یک خانواده شیعی امامی به دنیا آمد. بعد از دوره طفولیت، خانواده حسن صباح برای تحصیلش، از قم به ری مهاجرت کردند. وی تا سن هفده سالگی تمام علوم مرسوم را با سرعت و هوش زیاد سپری کرد. در مدت اقامت وی در ری که از مراکز مهم تعلیم شیعه و فعالیت داعیان اسماعیلی بود، از طریق فردی به نام امیره ضراب با تعلیم اسماعیلی آشنا شد که سرانجام موجب گرویدنش به مذهب اسماعیلی شد. حسن صباح مردی حکیم و دانشمند، اخترشناس و مهندس و ریاضی‌دان بود. در علوم فقه و اصول دین به درجه اجتهاد رسیده بود و شبانه‌روز خود را مانند صوفیان در ریاضت به سر می‌برد. وی همچنین اهل مطالعه و تحقیق بود و حتی تألیفاتی هم داشته که متأسفانه هیچ کدام در دسترس نیستند، از جمله آن‌ها به رساله چهار فصل (فصول اربعه؛ درخصوص تعلیم و آموزش) می‌توان اشاره کرد و علاوه بر آن کتاب سرگذشت سیدنا و کتبی مانند نامه خسروان، دبستان المذاهب، الاشکال و المسائح، الکره و رساله مختصر اکرام به او نسبت داده شده است. سرانجام صباح در پی بیماری، در ۲۶ ربیع‌الثانی ۵۱۸ ه.ق. درگذشت. او

را در نزدیکی قلعه الموت به خاک سپردند. مقبره او، تا هنگامی که به دست مغولان ویران گشت، زیارتگاه نزاریان بود (جوینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۲۱۲؛ مستوفی، ۱۳۶۴، ص. ۵۲۷).

در سال ۶۵۴ ه.ق / ۱۲۵۷ م. پس از دو سده مقاومت، رکن‌الدین خورشاه آخرین فرمانروای اسماعیلیان الموت، تسلیم هلاکوخان مغول گردید؛ هلاکوخان دستور داد، کاخ دژ الموت که نزدیک به دو سده، مرکز قدرت فرمانروایان عرب و ترک را تهدید می‌کرد، با سعایت و فضا سازی صورت گرفته توسط متنفذین در نزد خان مغول که آنجا را مرکز شیطان معرفی کردند با خاک یکسان کنند و بر اساس نوشته مورخین حاضر در حمله، آنجا را پس از غارت، سوزاندند و آثار و بقایای آن را جارو کردند تا از صحنه روزگار محو شود که نشانه‌های آتش‌سوزی و تخریب آن در کاوش‌های که اخیراً صورت گرفته به دست آمده است (جوینی، ۱۳۸۲، ص. ۵۲۷؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۸، ج ۲، ص. ۹۸۰؛ کاشانی، ۱۳۶۲، ص. ۲۵۱).

دولت صباحیان و حضور ۱۷۰ ساله اسماعیلیان در الموت، دژ الموت را مرکز و پایگاه مقاومت ایرانیان در برابر خلفای عباسی بغداد و حکومت‌های ترک نژاد سلجوقی و مغول تبدیل کرد. حسن صباح، زمانی نهضت خود را بنیانگذاری کرد که سلجوقیان در اوج قدرت سیاسی به سر می‌بردند و دستاوردهای مذهبی و سیاسی فاطمیان مصر نیز توسعه قابل ملاحظه‌ای یافته بود. وی جزء معدود حکمرانان و متفکر ایرانی است که در مبارزه با بیگانگان و متجاوزان به این سرزمین شیوه بدیع و تازه‌ای را برگزید، جذب و آموزش افراد، تبیین و باور اندیشه تشیع اسماعیلی به شیوه مناظره و بحث، زمینه‌سازی فکری برای مقابله با حکام سنی مذهب، احیای فرهنگ ملی و مذهبی که این شیوه در زمان خود تاکنون نظیر و مانند نداشت. وی همچنین با دانشمندان و متکلمان عصر چون؛ غزالی، خیام، خواجه نصیر و خواجه رشید فضل‌الله همدانی، جوینی و ... مناظره و مکاتبات علمی و اعتقادی داشت. چون بعضی از مشاهیر هم‌دوره‌اش با شیوه مبارزاتی وی همسویی نداشتند، به مقابله و شایعه پراکنی گسترده در مورد صباح و پیروانش پرداختند (زرین کوب، ۱۳۶۹، ص. ۸۰). کتاب شرح حال صباح توسط یکی از مریدان وی به نام «سرگذشت سیدنا» گردآوری شد که به عنوان منبعی با ارزش در اختیار مورخان دوره ایلخانی قرار گرفت؛ از جمله، عطاملک جوینی و رشیدالدین فضل‌الله همدانی و عبدالله بن علی کاشانی که از این کتاب و کتابخانه الموت استفاده فراوان کردند، حتی قسمت‌هایی از متن این کتاب را در بخش مربوط به حسن صباح و تاریخ اسماعیلیه نقل کرده‌اند (جوینی، ۱۳۸۲، ص. ۵۲۷؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۳۸، ج ۲، ص. ۹۸۰؛ کاشانی، ۱۳۶۲، ص. ۲۵۱).

طرفداران صباح به او اعتقاد راسخ داشتند و دستوراتش را با جان و دل اجرا می‌نمودند. همین امر سبب شد تا دشمنانشان آن‌ها را از روی تنگ‌نظری و استیصال ملحد بخوانند. دولت صباح با نواحی مرکزی ایران از جمله بخش قهستان، خراسان، اصفهان و اسماعیلیه‌های سوریه یک شبکه بزرگ مذهبی - سیاسی را تشکیل می‌داد. مرگ ملک‌شاه سلجوقی و به ویژه قتل نظام‌الملک، وزیر مقتدر سلجوقی، فرصت را بیش از پیش در اختیار این نهضت نهاد و شهرت آنان را عالم‌گیر کرد. فداییان تربیت‌شده صباح که حاضر بودند به اشاره او، هر کاری انجام دهند؛ اغلب وابستگان و حکام و کسانی که مخالف فعالیت اسماعیلیان بودند و در این راه مانع می‌شدند را حذف می‌کردند. فداییان باطنی هرگز مردم

بی‌گناه را به قتل نمی‌رساندند و طرف حسابشان صرفاً مخالفان و حکام محلی ظالم و دشمنان این فرقه بود. حتی قتل خواجه نظام توسط این گروه انجام نشد؛ چون که در واپسین سال‌های پادشاهی ملکشاه میان او و خواجه اختلافاتی پیش آمد که سرانجام به کنار گذاشتن او به علت توطئه ترکان خاتون زن ملکشاه شد؛ چرا که نظام‌الملک با ولیعهدی پسر وی، محمود مخالف بود. ملکشاه پس از برکناری خواجه، تاج‌الملک قمی را جایگزین وی ساخت. این وزیر به همراهی ترکان خاتون، خواجه را از میان برداشتند و چون در آن روزگار تبلیغات ضد اسماعیلی چنان قوی بوده که هر کس به قتل می‌رسید، آن را منتصب به این فرقه می‌دانستند، قاتلان خواجه نیز از این فضای تبلیغاتی سود جستند. باطنی‌ها می‌دانستند که برای توسعه فرقه خود زور و شمشیر همیشه کارساز نخواهد بود و در کنار آن بایستی شروع به نوشتن و پخش کتاب‌های تاریخی کنند تا به طور تدریجی ذهن مردم را آماده برای پذیرفتن کیش خود کنند و از این رو استراتژی خود را هم در بعد نرم‌افزاری یعنی ایجاد کتابخانه و گردآوری و تألیف کتاب و هم در بعد سخت‌افزاری و مبارزات مسلحانه ادامه دادند. رواج و گسترش تشیع امامی بعد از اسماعیلیان بی‌تأثیر از نهضت نزاری نبوده است. روش و سیاست مبارزاتی صاحبان باعث ایجاد رعبی عظیم در دل مخالفان شد. صباح حتی سلطان سنجر سلجوقی را تهدید به مرگ کرد و پادشاه، از ترس جان با او آشتی کرد و بدین ترتیب و اتخاذ این نوع شیوه مبارزه قدرت و نفوذ صاحبان بیشتر از قبل فزونی یافت (دفتری، ۱۳۷۵).

خلفای عباسی، حکام و دولتمردان سلجوقی بر ضد او رسالاتی تبلیغاتی سرشار از دروغ منتشر کردند و او را فردی خونخوار و ستمکار معرفی نمودند و بدین طریق فعالیت گسترده‌ای بر ضد صباح و پیروانش انجام دادند. برخورد قهریه و تبلیغات ضد اسماعیلی شدید موجب شد که تحقیق و پژوهش درباره این فرقه، مخصوصاً باطنیان الموت کار دشواری باشد. علت معروف شدن نزاریان ایران به باطنیان بدین شرح می‌باشد (محمدنیا، ۱۳۹۰، ص. ۹۵).

۱. چون طرفداران حسن صباح دین خود را مخفی می‌کردند به باطنی معروف شدند.
 ۲. آن‌ها معتقد بودند که آنچه را که در دین‌شان به آن اعتقاد دارند از باطن قرآن و معانی درونی دین برداشت می‌کنند و بنابراین باطنی نامیده شدند.

۳. هدف باطنی آن‌ها بازگرداندن ایران به شکوه و عظمت پیش از حمله اعراب بود.
 هدف اصلی صباح و پیروانش از بنیانگذاری نهضت بازگرداندن ایران، به شکوه و عظمت پیش از حمله اعراب بود و در این راه تلاش‌های بسیاری انجام داد تا دانشمندان هم عصر خود را با خود همراه سازد و حتی تلاش کرد تا به منصب وزارت سلجوقی برسد و از قدرت سلجوقیان در راه این هدف استفاده کند که در رقابت با خواجه نصیرالدین و با تهمت و توطئه حذف شد. از آنجایی که حسن صباح در راه مبارزه خود از یک بینش اعتقادی و علمی (بحث و مناظره) جهت متقاعد کردن افراد متنفذ جامعه بهره می‌جست، توسط وزراء و خلفای عباسی و سلجوقی که خود را مدافع دین و مروج اسلام مبتنی بر سنت بودند این طور به عموم القاء می‌شد که حسن صباح یک دین جدید را ترویج می‌کند و با خلفای عباسی و سلجوقی دشمن است (مستوفی، ۱۳۶۴، ص. ۵۲۷).

تاریخ بنا و ویژگی‌های الموت

الموت بخشی از حوزه آبریز کاسپین است که در شمال غرب فلات مرکزی ایران قرار دارد. سرزمین الموت با توجه به ویژگی اقلیمی و موقعیت جغرافیایی از هزاره دوم پیش از میلاد زیستگاه انسان بوده است. بلندی‌ها و کوه‌های سر به فلک کشیده البرز در دو سوی دره الموت این سرزمین را دژ پادگان و پناهگاهی تسخیرناپذیر ساخته است. در سده‌های نخست اسلام این منطقه بخشی از سرزمین دیلم و تحت فرمانروایی ملوک جستانی بوده است. شکل قلعه الموت به توصیف عطاملک جوینی، مورخ سده هفتم هجری مانند شتر زانو زده و گردن بر زمین نهاده است (جوینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۴۳). سطح رویه آن به توصیف فریا استارک، همانند کشتی است که دماغه آن به شمال غرب کشیده شده است (استارک، ۱۳۶۰، ص ۱۱۵). به نوشته حمدلله مستوفی، دژ الموت نخست در سال ۲۴۶ ه.ق. در عهد متوکل عباسی به دست یکی از ملکوک جستانی به نام «الداعی الحق حسن ابن زید» بنا شد (مستوفی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۲). در دوره‌های بعد نیز الموت در دست دیلمیان و آل بویه قرار گرفت تا این که سرانجام در شب چهارشنبه ششم رجب سال ۴۸۳ ه.ق. به تصرف حسن صباح درآمد. صباح پس از تسلط بر الموت، خود را دهخدا نامید و مبلغ ۳۰۰۰ دینار زر، به عنوان بهای دژ به مهدی علوی زیدی پرداخت کرد و از این تاریخ، قلعه الموت به عنوان مرکز فرماندهی فداییان اسماعیلیه و به نام الملک لله و بلده الاقبال نامیده شد (جوینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۴۴). بعد از تملک قلعه، حسن صباح به مرمت و تجدید بنای قلعه پرداخت، استحکامات آن را تعمیر و مخازن و منابع تأمین آن را اصلاح کرد. همچنین آبیاری و کشت غلات و کشاورزی را در دره الموت گسترش داد و در آن جا بهشت تمثیلی بنا کرد. این دژ تسخیرناپذیر و غیرقابل نفوذ با دیدبانی در تمامی جبهه‌ها، برج‌ها و دیوارهای حفاظتی داشته که پایداری آن را تقویت می‌کرده است. وسعت این دژ بیش از ۲۰ هزار متر مربع است که بر روی شیب صخره در سطوح مختلف آن، بناهای مورد نیاز دژ بنا شده بود و از تمامی شیب‌ها و سطوح بهره برداری کامل شده بود (کاشانی، ص ۲۵۲).

صباح در الموت قلعه‌های متعددی ایجاد کرده بود که این شبکه قلعه‌های شهر الموت را تشکیل می‌داد. در الموت نزدیک به ۲۰ (دژ شهرک) وجود داشت که نام‌آورترین این دژها؛ دژ حسن صباح (دارالملوک) که مرکز و هسته اصلی الموت است، شیرکوه، نوپرز شاه گرمارود، دژ شمس کلایه، قسطنین لار، ایلان، شهرک، دژ آوه و دژ لمبسر در رودبار شهرستان که نایب الحکومه و زمستانگاه الموت بوده است. این بناها و قلعه‌ها به صورتی ایجاد شده بود که دارای معماری ارزشمند، نظام مهندسی دقیق و با وجود انبارهای ذخیره آب متعدد، توانایی مقاومت را در محاصره‌های طولانی برای این قلعه فراهم می‌کرد (ستوده، ۱۳۴۴، ص ۵).

۱. فریا مادلین استارک (خانم استیوارت پرون) (Dame Freya Madeline Stark (Mrs Stewart Perowne)، ۱۸۹۳ - ۱۹۹۳. جهانگرد و سفرنامه‌نویس بریتانیایی، وی سفرهای متعددی به خاورمیانه داشت. سفر این بانو به ایران در سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰ در کتابی با نام «سفری به دیار حشاشین» از سوی علیمحمد ساکی به فارسی برگردانده شده است. این کتاب زیر عنوان «سفرنامه الموت لرستان و ایلام» از مجموعه گنجینه ایران و ایرانیان زیر نظر ایرج افشار به چاپ رسیده است.

وضعیت کتاب و کتابخانه این دوره

این دوره یکی از ناگوارترین ادوار تاریخی ایران محسوب می‌شود. بعد از دوره درخشان نهضت علمی و ادبی دوران عباسی و ساخت مدارس و کتابخانه‌های نظامیه که در تاریخ علم، حکمت و ادبیات ایران یکی از معتبرترین دوره‌هاست و از بسیاری جهات مخصوصاً از لحاظ تعدد علما و دانشمندان که در آن ایام مشعل‌دار علوم، ادبیات و نظم و نثر فارسی بوده‌اند، ممتاز است. در اثر استیلای قوم مخرب مغول و تیموریان دوره انحطاط علوم و ادبیات در ایران شروع شده که تا دوره صفوی و افشاریه ادامه داشته و به منتهای درجه خود رسیده است. در این دوره که از سال ۶۲۰-۸۰۰ ه.ق. بوده است هیچگونه آثاری از احداث مدارس و دارالعلم‌ها در شهرهای خراسان بزرگ و آذربایجان و عراق نمی‌بینیم. در طی این سال‌ها فعالیت‌های محدودی در زمینه علوم و فرهنگ و ساختن مدرسه در شهرهای فارس و یزد و اصفهان صورت گرفت و این نیز بدان جهت بود که در شهرهای مذکور به همت حاکمانشان (آتابکان سلغری) و در اثر نرمش از کشتار و خرابی مغول مصون ماندند. دانشمندان و علما و مشاهیری که از اکناف ایران زنده مانده بودند به آن شهرها روی آوردند و تجمع آنان سبب شد که امرا و وزرا تشویق به ساختن مدارس و دارالعلم‌ها شوند و در طی سال‌هایی از ۷۱۲-۸۰۰ ه.ق. دارالعلم‌های بسیاری در یزد ساخته شد که این شهر کوچک به دارالعلم ملقب گردید. تلاش‌ها و حمایت‌های حکومت‌های محلی در شیراز و یزد و اصفهان سبب گردید که با وجود قتل و غارت‌های مغولان و ترکان، بزرگ‌ترین شعرا و حکمای ایران مثل مولانا، سعدی، حافظ، عطاء الملک جوینی و خواجه طوسی ظهور یابند. سخنورانی شهیر چون عبید و خواجه و خواجه حافظ شیرازی در سایه این حمایت‌ها پرورش یافتند و توانستند فرهنگ و ادبیات و آثار مکتوب گذشته ایران را از ورطه نابودی نجات دهند. نهضت حسن صباح نیز با توجه به این که خود از دانشمندان و متکلمان عصر محسوب شده و از طرفی هم اساس نهضت اسماعیلیه بر اساس علم و مناظره بوده و داعیان این فرقه در دعوت افراد از شیوه‌های علمی و بحث استفاده می‌کردند، در حفظ و بقای فرهنگ مکتوب ایرانی نقش بسزایی داشته است. چون استفاده از کتب و تقریرات علمی برای تحقیق و مطالعه بیشتر توسط داعیان (که اغلب متکلم بودند) و پیروان ضروری به نظر می‌رسید؛ بدین گونه فعالیت‌های این نهضت مانند تلاش‌های حکام فارس و یزد، موجب حفظ و نجات آثار مکتوب ملی و فرهنگ و زبان فارسی شد (همايونفرخ، ۱۳۴۴، ص. ۴۸؛ محمدنیا، ۱۳۹۰، ص. ۹۶)

تأسیس کتابخانه الموت (سیدنا)

تأسیس کتابخانه الموت از جمله اقدامات برجسته حسن صباح پس از فتح قلعه الموت به شمار می‌رود. تاریخ دقیق تأسیس کتابخانه مشخص نیست ولی به نظر می‌رسد صباح پس از به دست آوردن قلعه الموت و هنگام توسعه و تعمیر آن سنگ بنای کتابخانه را گذاشته است. صباح که در زمره عالمان عصر خود به شمار می‌آید به دانش‌های ستاره‌شناسی و داروسازی تسلط داشته است. وی با زیرکی تمام، بیشتر کتب و آثار علمی مدون که از قرون قبل تا حملات مغول در ایران و سرزمین‌های مجارو وجود داشته، جهت بسط و تبیین اندیشه خود و استفاده پیروان و داعیان در کتابخانه خود

جمع‌آوری کرد. صباح هدف خود را از قیام و انتخاب این شیوه مبارزه، تلاش در جلب مشارکت دانشمندان و بزرگان عصر خود، برگرداندن اوضاع فرهنگی و سیاسی ایران به دوره عظمت و شکوه تمدن ایرانی قبل از حمله اعراب و مغولان و ترکان بیان کرد و در این راستا در جمع‌آوری کتب و دانش مدون تلاش‌های بی‌نظیری انجام داد. صباح از طریق فرستادن داعیان و پیروانش به سراسر ایران و سرزمین عراق شام تا مصر، کتب و رسالاتی که دارای مضامین علمی و یا دینی بودند را جمع‌آوری کرد و کتابخانه بزرگ و شایسته‌ای را با کمک یارانش ساخت. با این بینش خردمندانه در الموت کتابخانه‌ای قابل توجهی جمع‌آوری شد که نه تنها همه‌گونه کتب و نوشته‌های دینی از جمله آثار درباره اعتقادات اسماعیلی در آنجا بود، بلکه نوشته‌ها و آلات و ابزار علمی نیز از جمله، ابزار رصد ستارگان در میان منابع کتابخانه یافت می‌شد. حسن صباح در دانش ستاره‌شناسی و طالع‌بینی نیز آگاهی داشته و در طول مدت ۳۵ سال اقامت در قلعه الموت از آلات و ابزار رصدی برای گاه‌شناسی، تبیین و زمان‌شناسی حرکات و قیام جهت راهبری و راهنمایی پیروانش استفاده می‌کرد (جوینی، ۱۳۸۲، ص. ۵۲۷؛ رشید الدین فضل الله، ۱۳۳۸، ج ۲، ص. ۹۸۰؛ کاشانی، ۱۳۶۲، ص. ۲۵۱).

سیدنا در طول اقامت در الموت با تحقیق و مطالعه در کتب و متون موجود در این کتابخانه و در نتیجه ترکیب علم و زهد، خود را به آن مقام (امامت اسماعیلیه) رسانید و در واقع کتابخانه سیدنا به عنوان ابزار ضروری و منبع فکری این نهضت تلقی می‌شود. این کتابخانه پس از بناگذاری توسط سیدنا به تدریج به دست اولاد و احفاد وی تکمیل شده و رشد مجموعه کتاب‌ها و ادوات علمی کتابخانه تا زمان حمله مغول و تخریب الموت در ۶۵۴ ه.ق. ادامه داشت. بنا بر اعلام جوینی در زمان فتح الموت مجموعه کتابخانه سیدنا بالغ بر ۴۰۰ هزار عنوان بوده است. از شیوه طبقه‌بندی و تنظیم منابع کتابخانه اطلاعی دقیقی در دست نیست ولی با توجه به حضور بیشتر علما و دانشمندانی که به راحتی در داخل کتابخانه آمد و شد داشتند و از منابع و امکانات آن بهره می‌جستند می‌توان گفت که این کتابخانه به شیوه قفسه‌باز امروزی اداره می‌شد. با توجه به علاقه حاکمان نزاری به مطالعه و تحقیق و تشویق علما به تدوین و نشر افکار و عقاید اسماعیلی بدیهی به نظر می‌رسد که اداره کتابخانه به شیوه باز و حمایت همه جانبه از دانشمندان به عنوان ابزار مؤثر در جهت حفظ و اعتلای فرهنگ ایرانی بوده است (همایونفرخ، ۱۳۴۴، ص. ۴۸؛ محمدنیا، ۱۳۹۰، ص. ۹۶).

ذکر این کتابخانه در بیشتر منابع آن دوره آمده است. از جمله، جوینی در تاریخ جهانگشای خود از کتابخانه الموت یاد کرده است که با داشتن ۴۰۰ هزار جلد کتاب، مرکز علمی مهم ایران آن روز بوده است. در این کتابخانه علاوه بر کتاب، آلات ابزار علمی وجود داشت و دانشمندان زمان به این دژ رفت و آمد داشتند. دانشمندانی چون، خواجه نصیرالدین طوسی، ریاضیدان و منجم بزرگ، سال‌ها در این قلعه زیست و در این مدت در زمینه نجوم، فلسفه و علوم دینی نو پژوهش و نگارش کرد (جوینی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص. ۲۶۹). نصیرالدین در زمان حمله و پیشروی مغولان در ایران در ابتداء به یکی از قلعه‌های ناصرالدین محتشم فرمانروای اسماعیلی قلعه قهستان پناه برد و بعد از مدتی به الموت نقل مکان کرد. محیط امن و زندگی با اعزاز و احترام، وجود کتابخانه با مجموعه‌های زیاد و مناسب، سبب گردید که نصیرالدین مدت نزدیک به ۲۸ سال در این قلعه ساکن گردد. وی در این مدت علاوه بر مشاغل علمی، تدریس و تألیف آثار با تشویق باطنیان، همواره در امور سیاسی و دیوانی مشاور آن‌ها بود. محققان معتقدند که خواجه اساساً اعتقاد به تشیع دوازده امامی

داشته و در مدت اقامت در جوار اسماعیلیان تقیه نموده چون که بعداً بعد از خروج از قلاع اسماعیله با انجام تألیفات چون؛ تجرید الاعتقاد، خدمت شایسته‌ای به کلام امامیه نموده است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۴، ص. ۱۴). خواجه در اقامتش در قلعه الموت برخی از آثار مهم اخلاقی، منطقی، فلسفی و ریاضی خود از جمله مشهورترین کتابش «اخلاق ناصری» را به رشته تحریر درآورد. در این مدت شهرتش روزافزون گردید و حتی به گوش فرمانروای مغول رسید و وقتی که هولاکو به فرمانروایی اسماعیلیان الموت در سال ۶۳۵ پایان داد، خواجه طوسی را با توجه به تلاشش در تسلیم نمودن آخرین حاکم اسماعیلی در الموت، به عنوان وزیر و مشاور به خدمت خود فرا خواند. تا زمانی که خواجه نصیر طوسی هولاکو را به ساختن رصدخانه و کتابخانه مراغه در سال ۶۳۸ ه.ق تشویق کرد و خودش به جمع‌آوری کتاب و منابع برای آن مأمور شد و بعد از ساخت آن، بسیاری از کتب و آلات رصدی که از کتابخانه سیدنا توسط خواجه برداشته و جدا گردیده بود جزء مجموعه کتابخانه رصدخانه مراغه قرار گرفت (نجفی، ۱۳۷۱، ص. ۷۸).

علاءالدین عطا ملک جوینی که در هنگام فتح الموت در خدمت هولاکو بود و از مجموعه بی‌نظیر کتابخانه سیدنا مطلع بود، با زیرکی از هولاکو درخواست کرد که از سوزاندن کتابخانه، با توجه به این که کتابخانه دارای مجموعه مصاحف و قرآن، گناه بزرگی است، جلوگیری کند. بدین ترتیب بود که هولاکو امر کرد کتابخانه الموت تحت تصرف و مدیریت خواجه جوینی گذارده شود. چنان که در شرح حال علاءالدین در مقدمه کتاب تاریخ جهانگشا این مطلب نقل شده که علاءالدین از کتب و کتابخانه اسماعیلیه استفاده بسیار نمود. از جمله این کتاب‌ها، کتابی موسوم به سرگذشت سیدنا بود که به دست علاءالدین افتاده و شرح حالات سیدنا را به طور خلاصه در جلد سوم جهانگشا بر اساس آن نگاشته است (ورجوند، ۱۳۶۶، ص. ۱۲۳؛ جوینی، ۱۳۸۲، ج. ۳، ص. ۲۶۹؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳، ج. ۲، ص. ۹۸۰).

جوینی در شرح مأموریت هولاکو به ایران برای سرکوبی اسماعیلیان الموت و خلیفه بغداد که از مهم‌ترین بخش‌های «تاریخ جهانگشا» اثر معروف و معتبر جوینی است، در قسمت فتح‌نامه الموت ذکر کرده که پس از پایان کار الموت، به فرمان هولاکو، وی کتابخانه کهن‌بنیاد آن را در اختیار گرفته اما جز مصاحف و نفایس کتب و آلات رصد و اسطرلاب‌ها، باقی کتاب‌ها را که در باب عقاید اسماعیلیان بوده، سوزانده است (جوینی، ۱۳۸۲، ج. ۳، ص. ۲۶۹). جوینی که سال‌ها عهده‌دار امورات دیوانی مغولان در ایران بود در هنگام فتح الموت با توجه مخالفت و تعصب شدیدش نسبت به قیام اسماعیلیه ذهنیت خوبی نسبت به آنان نداشت و حتی این دشمنی در نگارش کتاب تاریخ جهانگشا نیز مشهود است. در بازبینی و بررسی مجموعه کتابخانه سیدنا نیز بسیاری از کتبی که به نظر وی مناسب تشخیص داده نمی‌شد چنانچه خودش ذکر کرده است به دستور وی نابود شده است (محمدنیا، ۱۳۹۰، ص. ۹۶). چنانچه جوینی در کتابش ذکر می‌کند مجموعه کتابخانه سیدنا چهارصد هزار جلد ذکر شده که نشان‌دهنده عظمت آن کتابخانه از نظر میزان مجموعه می‌باشد؛ با توجه به این نکته که در آن روزگار صنعت چاپ وجود نداشت، مجموعه‌ای با این تعداد در ایران آن زمان بی‌نظیر بوده است. حتی در زمان حاضر اگر کتابخانه‌های ما دارای این میزان مجموعه باشند جزء بزرگترین کتابخانه‌ها محسوب می‌شوند. آنچه ظن ما را نسبت به میزان مجموعه سیدنا به یقین بدل می‌کند اینست که جوینی ذکر می‌کند: بعد از فتح الموت، خودش به اتفاق خواجه نصیرالدین و چند تن از همکاران به مدت چند ماه به بررسی مجموعه کتابخانه و جدا

کردن کتاب‌ها و حفظ آن‌ها مشغول بودند. صرف چند ماه وقت برای بررسی و بازبینی کتاب‌ها و جدا کردن کتب که به نظر این کار گروه مفید بوده، نشان دهنده بزرگ بودن مجموعه کتابخانه سیدنا است هر چند که ذکر تعداد ۴۰۰ هزار عنوان شاید دقیق نباشد (محمدنیا، ۱۳۸۹).

رشیدالدین فضل‌الله همدانی مؤلف جامع‌التواریخ که بخشی از کتاب خود را به حسن صباح و اسماعیلیان اختصاص داده، در میان مورخان هم عصر نهضت اسماعیلیه که به تاریخ اسماعیلیه پرداختند از همه آن‌ها منصفانه‌تر و معتدل‌تر بوده است. رشیدالدین مدتی به همراه نیای خود، موفق‌الدوله و خواجه نصیرالدین طوسی در خدمت دستگاه اسماعیلیه الموت به عنوان پزشک خدمت کرد. رشیدالدین در هنگام اقامت در الموت در سن نوجوانی بوده و بیشتر مشغول کسب تحصیل و معرفت و آموختن تجربه از خواجه نصیرالدین بوده است. هر چند وی اشاره صریحی درباره کتابخانه الموت نمی‌کند؛ ولی با توجه به این که خداوندان الموت به علم و تحصیل، عالمان و دانشمندان توجه ویژه و توأم با احترام داشتند و کتابخانه الموت در آن زمان تنها مرکز علمی و فرهنگی بوده که دانشمندان و عالمان به آنجا تردد داشتند رشیدالدین نیز که در سن کسب معلومات بوده به طور قطع از کتابخانه الموت استفاده کرده است. رشیدالدین به همراه نصیرالدین در هیأتی که از طرف رکن‌الدین خورشاه آخرین فرمانروای اسماعیلی به نزد هولاکو جهت میانجی‌گری جهت عدم شروع جنگ بین مغولان و اسماعیلیه گسیل شدند، حضور داشت. با تلاش نصیرالدین و رشیدالدین و تسلیم شدن قلعه‌ها، هلاکو آنان را نواخت. از مطالب بحث‌برانگیزی که خواجه رشیدالدین درباره حسن صباح در کتابش ذکر می‌کند، هم مکتب بودن حسن صباح، خواجه نظام‌الملک و عمر خیام در کودکی در نیشابور است که خواجه رشید در داستان سه یار دبستانی، دشمنی حسن صباح با خواجه نظام‌الملک که به قتل وی انجامید را پایبند نبودن خواجه نظام به تعهدی که داده بود، می‌داند (رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۸۷). این در حالی است که بسیاری از محققین از جمله، مستشرق آلمانی هوتسما^۱ در صحت این مطلب تردید دارند. بر اساس گفته مؤلف کتاب *نفته‌المصدر*^۲ در این جمع به جای خواجه، ابونصر شروان بن خالد کاشانی را هم کلاس حسن صباح معرفی کرده است (مدرس زنجانی، ۱۳۳۵، ص. ۲۸).

«دستورالمنجمین» کتابی باقیمانده از کتابخانه سیدنا

این کتاب اثری ارزشمند باقی‌مانده از دوران اسماعیلی و از مؤلفی ناشناخته است که بخش اعظم محتوای کتاب در حوزه نجوم است. این کتاب معاصر با حسن صباح تألیف شده و در قلعه الموت نگهداری می‌شده است. این کتاب دو جلد بوده، اما نسخه فعلی در یک نسخه صحافی شده است. نسخه اصلی کتاب دستورالمنجمین در کتابخانه ملی پاریس نگهداری

۱. مارتین تئودور هوتسما (Martin Theodor Houtsma) (۱۸۵۱-۱۹۴۳) خاورشناس هلندی و عضو آکادمی سلطنتی علوم و هنر هلند بود او بیش از هر چیز به سبب برعهده داشتن مسئولیت ویراستاری نخستین دانشنامه پژوهشی استاندارد در زمینه تاریخ اسلام، با عنوان دانشنامه اسلام شناخته شده است.

۲. *نفته‌المصدر*، اثر شهاب‌الدین محمد خزندزی زیدری نسوی ۶۲۲ ه. ق، شاعر، نویسنده و مورخ قرن هفتم هجری او منشی سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه آخرین شاه خوارزمشاهیان بود.

می‌شود. این نسخه توسط شارل شفر، خاورشناس فرانسوی در قرن نوزدهم از ایران به فرانسه منتقل شده است. دست‌نویس‌های منجمین توسط سیدجلال حسینی بدخشانی و اکبر ایرانی تصحیح شده و توسط مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب به چاپ رسیده است. در مقدمه این کتاب آقای ایرانی ذکر می‌کند که علامه قزوینی در سال ۱۳۰۳ به مدت شش هفته روی این کتاب کار کرده است و ما اطلاعاتی از نویسنده اصلی این اثر نداریم ولی طبق تحقیقات علامه قزوینی و بر اساس گزارش‌های کازانوا^۱ این کتاب بین سال‌های ۴۸۷ تا ۵۰۰ تألیف و تنظیم شده است (گنجینه ارزشمند از میراث مکتوب اسماعیلیان: <https://www.irna.ir/news/2022/24>)

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل می‌توان اذعان کرد که در بررسی و شکل‌گیری تاریخ کتابخانه‌ها در ایران آموزش و تربیت نیروی انسانی همواره از اهداف اصلی مؤسسان و بانیان آن‌ها بوده است. از این رو، در هر دوره از تاریخ این سرزمین هر زمان کتابخانه‌ای بنا گردید هدف آموزشی بیشتر از سایر دلایل تبلور و نمود داشته است و مراکز تعلیمی اغلب در کنار کتابخانه و یا در بطن آن وجود داشتند. از این رو می‌توان ایرانیان را طلایه‌دار تلفیق آموزش بر مبنای کتابخانه به عنوان کهن‌ترین هدف کتابخانه‌ها دانست. کتابخانه سیدنا به عنوان نمونه بارز و برجسته این هدف است که به عنوان ابزار برتر آموزشی برای تربیت و آموزش مریدان و پیروان حسن صباح بنا شد و با این کار خردمندان علاوه بر استفاده سیدنا و پیروانش از این منابع، خدمت شایانی در حفظ و انتقال میراث مکتوب دوره قبل از هجوم مغولان به بعد از آن ایفا کرده است.

با بررسی صورت گرفته کتابخانه سیدنا در الموت نسبت به کتابخانه‌های قبل و بعد از این دوره دارای اهمیت و ویژگی برجسته به شرح زیر است:

۱. این کتابخانه تنها کتابخانه‌ای است که بعد از حملات ویرانگر مغولان که تمام مدارس و کتابخانه‌های ایران از مرو، نیشابور، ری، اصفهان تا بغداد را نیست و نابود کردند، سالم و دست نخورده باقی مانده است. مجموعه غنی کتابخانه سیدنا میراث جمع‌آوری شده کتابخانه‌های مدارس نظامیه و دارالکتب ری و بیت الحکمه بغداد و ... و آثار احیا شده ایران پس از اسلام بود که با همت دانشمندان و خردمندان ایرانی حفظ و نگهداری شده بود و تا زمان هجوم مغولان، در این کتابخانه تجمع شده و با درایت و زیرکی دانشمندان ایرانی به دوره بعد از مغولان منتقل شد.

۲. دیگر این که این کتابخانه بن‌مایه دو کتابخانه بزرگ دوره بعد یعنی کتابخانه و رصدخانه مراغه که توسط خواجه نصیرالدین توسی بنا شد و کتابخانه ربع رشیدی که توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بنا گردیده،

۱. Charles Schefer، خاورشناس، نویسنده، مترجم و تاریخ‌شناس فرانسوی متولد ۱۸۲۰ در پاریس و درگذشته ۱۸۹۸.

۲. Jean-Jacques Casanova de Seingalt نویسنده قرن هجدهم میلادی اهل ایتالیا است.

شده است. سرانجام برخلاف بیشتر کتابخانه‌های بزرگ و تاریخی ایران که بر اثر حملات ویرانگر اقوام دور از تمدن به کلی نیست و نابود شده‌اند این کتابخانه تا حدودی به این سرانجام دچار نشد و توانست میراث تمدن ایرانی را به دوره بعد منتقل کند.

۳. اهمیت دیگر کتابخانه سیدنا را می‌توان با توجه به نوع جمع‌آوری منابع و هدف استفاده‌کنندگان آن اولین کتابخانه ایران در نوع خود دانست که منابع و مواد آن برای بسط و تبیین تفکر و گسترش طریقت اسماعیلیان و آموزش داعیان و مبلغان نزاری در ایران فراهم شده بود و توسط رئیس و بنیانگذار نهضت اسماعیلی و پیروانش در ایران تأسیس شد. از این رو، این کتابخانه را می‌توان جزء نخستین کتابخانه مذهبی در ایران و جهان دانست که کاربری مؤثر و متفاوتی را در آن روزگار ایفا کرد. در زمان تأسیس این کتابخانه در جهان معاصر آن روز به جز کتابخانه‌های وابسته به کلسیای مسیحی قرون وسطی که کاربری نسبتاً عمومی با توجه به عدم گسترش سواد و دانش داشتند نظیر و ماندی پیدا نمی‌شود.

نقش اسماعیلیان سواى گرایش مذهبی و وجود نظرات متنوع در این باب در زمینه حفظ و نگهداری آثار ملی و فرهنگ تمدن ایرانی بی‌نظیر بوده است. این نکته تاکنون کمتر مورد توجه متفکران و صاحب‌نظران که بیشتر به بعد سیاسی نهضت اسماعیلیان و القانات صورت گرفته درباره حسن صباح و پیروانش، که خالی از بغض و کینه‌ورزی نیست، بوده است و خدمت صباحیان به فرهنگ و تمدن ایرانی نادیده گرفته شده است. اسماعیلیان نزاری برای تحقق اهداف خود تلاش‌های مضاعفی برای جذب بزرگان و دانشمندان جهان اسلام کردند؛ برای نمونه از عالمان بزرگی چون، امام فخرالدین رازی، خواجه نصیرالدین طوسی و شاعر بزرگ ناصر خسرو قبادیانی و ... را می‌توان نام برد. البته هجوم مغولان نیز، سبب توجه و مهاجرت علما و دانشمندان به قلمرو اسماعیلیه و در پی آن رشد اندیشه‌های کلامی - عقلی در گستره حکومتی آنان شد که با استقبال حاکمان اسماعیلی مواجه شد. حضور این دانشمندان و عالمان در حکومت و نهضت اسماعیلیان موجب رونق علم دانش و تحقیق و تألیف کتاب توسط آن‌ها شد که نمونه بارز آنان ترجمه فارسی کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق ابوعلی مسکویه توسط خواجه نصیرالدین طوسی است و همچنین تألیف کتاب مشهور اخلاق ناصری - از پر مایه‌ترین کتب فارسی در علم اخلاق و حکمت عملی است.

تشکیل کتابخانه سیدنا و جمع‌آوری کتاب و منابع از سراسر قلمرو ایران هر چند که جز اهداف اصلی و صریح بنیانگذاران این نهضت نبوده ولی با توجه به این که هدف اصلی سیدنا و جانشینانش از این نهضت احیای فرهنگ و تمدن و زبان ایران و بازگشت به دوره اوج و عظمت قبل از اسلام بیان شده بود، این کتابخانه در توسعه، ترویج و آموزش رهبران و مبلغان این نهضت نقش اصلی داشته است و در واقع کتابخانه سیدنا الموت بعد تکمیلی نهضت نزاری و خدمت شایسته آن‌ها به فرهنگ و تمدن ایرانی بوده است.

همان طور که پل امیر در بخش پایانی کتاب خداوند الموت نقل می‌کند، با این که دوره قدرت الموت بیش از ۹۵ سال طول نکشید، زبان فارسی به وسیله باطنی‌ها بسیار توسعه یافت و زبان عربی را عقب زد و حس مناعت ملی ایرانیان را بیدار کرد. در واقع، همان طور که امیر اشاره می‌کند، هدف اصلی نهضت باطنی این بود تا به مردم ایران یادآوری کند

که مردمان این مرز و بوم دارای فرهنگ غنی هستند و قرن‌ها قبل از حمله اعراب دارای تمدن بوده‌اند، اما اعراب با زور بر آنان مسلط شدند و بسیاری از منابع غنی ایرانی یعنی کتاب‌های تاریخی ایرانیان را از بین بردند تا ایرانیان از هویت اصلی خود بی‌خبر باشند. اعراب بعد از تسلط بر ایران تلاش‌های زیادی کردند که فرهنگ خود را وارد فرهنگ ایرانیان کنند تا بتوانند بر آن‌ها حکومت کنند ولی موفقیت چندانی کسب نکردند و در فرهنگ و تمدن ایرانی جذب شدند. به نظر می‌رسد صباح با توجه به این که در خانواده شیعی دوازده امامی متولد شده از این گرایش مذهبی فقط به عنوان یک استراتژی مبارزاتی بهره گرفته است و خودش به اسماعیلی بودن اعتقاد راسخ نداشت؛ چون بعد از پایان دولت صاحبان این گرایش مذهبی در ایران نفوذ و گسترش نیافت بلکه به جای آن تشیع امامی که بعد تکمیلی‌تر اسماعیله بود در ایران رواج یافت. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد شیوه مبارزاتی اسماعیلیان و صباح که متکی بر بحث و جدل علمی و مناظره بوده به صورت جدی مورد پژوهش و تحقیق قرار گیرد.

سیاسگزاری

این مقاله به صورت غیرمستقیم از رساله ارشد نگارنده که در سال ۸۹ در دانشگاه پیام نور واحد مشهد دفاع شده، استخراج شده است. نویسنده مقاله بر خود لازم می‌داند از زحمات و راهنمایی‌های دکتر حسین محمدی مدیر گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی و دکتر حسن اشرفی‌ریزی مدیر گروه علم اطلاعات و مدیریت دانش دانشگاه علوم پزشکی اصفهان که زمینه این پژوهش را فراهم نمودند، قدردانی نماید. همچنین از دست اندرکاران نشریه شمس که با دقت و حوصله مقاله ارسال را مطالعه نموده و نکات و اصلاحات آن را اعلام نمودند تشکر و قدردانی می‌کنم و برای آن‌ها آرزوی سلامتی و موفقیت روز افزون دارم.

منابع

- آمیر، پل (۱۳۷۵). *خداوند الموت*. (ترجمه ذبیح الله منصوری). تهران: انتشارات جاویدان.
- استارک، فریا مادلین (۱۳۶۰). *سفرنامه الموت لرستان و ایلام*. (ترجمه و حواشی علیمحمد ساکی). تهران: انتشارات علمی.
- بادکوبه هزاوه، احمد؛ عبدالملکی، محمد (۱۳۹۶). علم و علم آموزی در آموزه‌های اسماعیلی در دوره خلافت فاطمیان. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۷(۲۶)، ۵-۲۶.
- جوینی، عطاالملک (۱۳۸۲). *تاریخ جهان گشا*. (به تصحیح محمد قزوینی). ج ۲ و ۳. تهران: دنیای کتاب.
- خراسانی فدائی، محمدبن زین العابدین (۱۳۶۲). *تاریخ اسمعیلیه: یا هدایت المومنین الطالبین*. (به تصحیح و اهتمام الکساندر سیمینوف). تهران: انتشارات اساطیر.
- فضل الله همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۳۸). *جامع التواریخ (یا تاریخ رشیدی)*. (به تصحیح بهمن کریمی). ج ۱ و ۲. تهران: انتشارات اقبال.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۴). *اخلاق ناصری*. (تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری). تهران: انتشارات خوارزمی.

دفتری، فرهاد (۱۳۷۵). «حسن صباح» دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.

فضل الله همدانی، رشیدالدین (۱۳۸۷). *جامع التواریخ (تاریخ اسماعیلیان)*. (تصحیح محمد روشن). ج ۲. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *فرار از مدرسه*. تهران: امیر کبیر.

ستوده، منوچهر (۱۳۳۴). *قلعه الموت بلده الاقبال*. *مجله فرهنگ ایران زمین*، ۳.

غلامی، مریم؛ منصور، علی (۱۳۸۷). بررسی تحولات فرهنگی اسماعیلیان نزاری از دعوت تا سلطنت. *فصلنامه تاریخ اسلام*، ۹(۳۳-۳۴).

کاشانی، جمال‌الدین ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد (۱۳۶۶). *زبدہ التواریخ*. (به کوشش محمد تقی دانش پژوه). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

محمدنیا، مرتضی (۱۳۹۰). *سرگذشت کتابخانه‌ها در ایران*. تهران: انتشارات کتابدار.

محمدنیا، مرتضی (۱۳۸۹). *عوامل مؤثر در شکل‌گیری کتابخانه در ایران*. پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی. دانشگاه پیام نور مشهد.

مدرسی زنجانی، محمد (۱۳۳۵). *سرگذشت و عقائد فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی*. تهران: دانشگاه تهران.

مستوفی، حمد الله بن ابی بکر (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. (به اهتمام عبدالحسین نوایی). تهران: امیرکبیر.

مستوفی، حمد الله بن ابی بکر (۱۳۸۱). *نزهة القلوب (مقاله سوم)*. (به کوشش محمد دبیرسیاقی). قزوین: حدیث امروز.

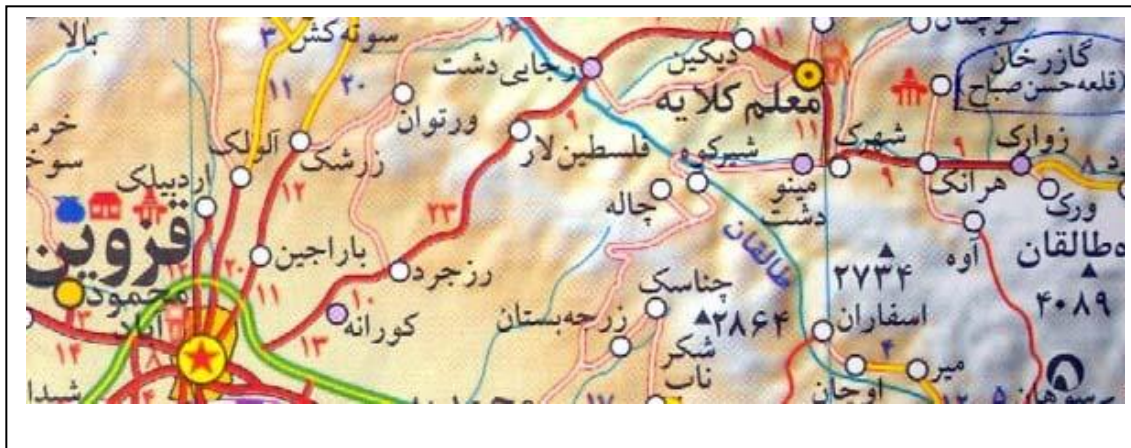
نجفی، ناصر (۱۳۷۱). *سرگذشت حسن صباح و قلعه الموت*. تهران: نشر ارغوان.

ورجاوند، پرویز (۱۳۶۶). *کاوش رصدخانه مراغه، نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران*. تهران: امیرکبیر.

همایونفرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۴). *تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی*. تهران: سازمان کتابخانه‌های عمومی شهرداری تهران.

گنجینه ارزشمند از میراث مکتوب اسماعیلیان: <https://www.irna.ir/news/2022/24>

پیوست



Books and Libraries during the Mongol Era in Iran; Seydna Library or Alamut is a Borrower of Iranian Civilization

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to examine the role of the Ismaili movement in Iran in the preservation and maintenance of books and libraries during the devastating Mongol attack with the establishment of Saydna Library in Alamut.

Thinking about the past and the history and civilization of this land shows that men have always appeared in difficult days and conditions and hardships, who have become the saviors of the culture and civilization of this ancient land and its salvation and transfer to the future with actions based on rationality and benevolent intentions. Reviewing and examining these events causes a glimmer of hope for the future and stimulation and effort and creates vitality in the present. Therefore, having strong and sufficient support and experience is necessary to move forward and create transformation and innovation.

Method: In this research, a descriptive method with an inductive approach has been used. This article has been compiled based on the research of historical sources and texts contemporary with this movement and historians and reporters of that period. The sources used in this research have been collected using documentary and library methods.

Findings: In most of the sources related to the Sabah movement, the main attention of researchers is on the political aspect of this movement; This is while this dynasty had a cultural and scientific influence in addition to the political dimension because the leaders of this movement were very interested in science and knowledge and were scholars themselves, and in addition to supporting scholars and scientists, they had close relations with them. In the shadow of these supports, the Iranian language and written sources were saved from the abyss of destruction. The pinnacle of the efforts of the Ismailis in preserving Iranian culture and civilization was the promotion of the Persian language in writing books and treatises and the establishment of the Sayedna Library in Alamut, which was supported by the efforts of Ismaili leaders and preachers who were present throughout Iran and Iraq, Egypt and the Levant and up to the border of China. All of them were people of study and research. The distinctive feature of this library compared to the libraries before and after it is that at the same time as the invasion of the Mongols, the rich collection of the Alamut library is the only preserved library that is the legacy of the libraries of Nizamiyyeh schools, Dar al-Katbar, and Bait al-Hikmeh in Baghdad, etc. The Mongols were transferred and Ben Mayeh was the source of two great libraries of the later period, namely; He formed Raba Rashidi Library and Maragheh Library. Also, this library was the training place for missionaries and leaders, Ismaili preachers, and it is the foundation of the educational use of the library in Iran, and according to the type of resources collected, it is the first and oldest religious library.

Keywords: Saydna Library, Alamut Library, the first religious library of Iran, Alamut